

عنايتها تازه بنامه انجمن است **الحديث والسنة** که در هر روز بنامها
 در اقدامات او بنام دفتر نشر کتاب مدرسه است ، آن گفتگوها را اقدامات
 دفتر نشر کتاب را از نظر جنبه حدیث و سنت که آن اختصاص باین اسم داده ،
 «حدیث» نامیدند .



تاریخ تدوین حدیث



چند سال پیش از آنکه در هر روز بنامها
 در اقدامات او بنام دفتر نشر کتاب مدرسه است ، آن گفتگوها را اقدامات
 دفتر نشر کتاب را از نظر جنبه حدیث و سنت که آن اختصاص باین اسم داده ،
 «حدیث» نامیدند .

تاریخ تدوین حدیث

چند سال پیش از آنکه در هر روز بنامها
 در اقدامات او بنام دفتر نشر کتاب مدرسه است ، آن گفتگوها را اقدامات
 دفتر نشر کتاب را از نظر جنبه حدیث و سنت که آن اختصاص باین اسم داده ،
 «حدیث» نامیدند .

تاریخ تدوین حدیث

چند سال پیش از آنکه در هر روز بنامها
 در اقدامات او بنام دفتر نشر کتاب مدرسه است ، آن گفتگوها را اقدامات
 دفتر نشر کتاب را از نظر جنبه حدیث و سنت که آن اختصاص باین اسم داده ،
 «حدیث» نامیدند .

تاریخ تدوین حدیث

چند سال پیش از آنکه در هر روز بنامها
 در اقدامات او بنام دفتر نشر کتاب مدرسه است ، آن گفتگوها را اقدامات
 دفتر نشر کتاب را از نظر جنبه حدیث و سنت که آن اختصاص باین اسم داده ،
 «حدیث» نامیدند .

آیه الله: حاج میرزا خلیل گمره ای

فصل پنجم

سند حدیث

حدیث: عبارت از اقوال و افعال و تقریر معصوم که نزد «عامه» تنها پیغمبر صلی الله علیه و آله است و نزد ما «خاصه» پیغمبر و آل او و عترت او صلی الله علیه و آله همه هستند یعنی پیغمبر (ص) با آن ائمه دوازده گانه که مشعلدار علم او صلی الله علیه و آله بوده و بر رسم و راه و روش او (ص) رهبری میکردند.

حدیث هر کس که حامل سنت او باشد بدون کم و زیاد حدیث او است.

سند حدیث: سلسله اشخاصی هستند که آنرا رسانده اند

و متن حدیث: همان گفتار و رفتار پیغمبر اعظم یا او (ص) با آل اطهار او است مقالات و اقدامات و تقریرات پیغمبر (ص) و آل اقدس او صلی الله علیه و آله که از آنها فرمانهایی استنباط میشود، مشعل هدایت ما است، و ما را بسر نهضت اسلام آگاه مینماید، و بعهد پیغمبر (ص) و آن تحول شگرف جهان رهبری میکند.

و چون حوادث در آن عصر فرخنده نورانی هم طبق معمول آن بآن وساعت بساعت و روز بروز حادث میشد؛ و پیش میآمد، و رهبرها و

هدایتها تازه بتازه انجام میشد ، و طبق آنها گفتگوهای تازه بتازه و فرمانها و اقدامات نو بنواز پیغمبر اقدس صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صدور مییافت ، آن گفتگوها و اقدامات پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از نظر جنبه حدوث و تازگی آن اختصاص باین اسم داده ، « حدیث » نامیدند .

چه بسا کسانی از یکدیگر می پرسیدند : چه حدیثی امروز شنیده ای ؟ . . یعنی چه گفتگوی تازه ای از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده ای که از شخص او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا از حضرت اقدس او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیرون داده شده که ما را و مردم را نسبت بتکلیف هدایت فرماید ؟ . .

نکته اینجا است که « حدیث » با وزن لفظ صفت مشبیه - شریف و رحیم و امیر دلالت بردوام و ثبوت میکند ، باماده حدث و حادثات دلالت بر تجدید و تازگی مینماید . گوئی تجدید و ثبوت ، هر دو در آن ملحوظ هست گوئیا هر آنچه گفتگوی تازه اش ، گر چه تازه و نو است ، ولی برای همیشه باید باشد ، و از اهمیت باید همیشه گفتگو از آن بشود ، آنرا « حدیث » میتوان خواند . نه مطلق هر آنچه « آن بآن » حادث میشود مانند امور صغار غیر مهم . نفس کشیدن هر آنی - غذا خوردن هر روزی ، حادثی است که حدیث ندارد ، زیرا نه هر حادثی « حدیث » دارد ، حدیث نام آن چیزی را باید نهاد که گفتگوی آن همواره تازه و در عین حال همیشگی است ، در اینجا چون احادیث پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت بتکلیف « اثر ثابت هدایت » را دارد - و در امور عظام جهان هم (مانند حدیث امم و ملل و شاهان) چون مفادش با آنکه بکروز تازه بوده ، همه

وقت نورتازه مینماید ، وبایدش « نورتازه » دید، آنراهم در اینجا و در آنجا حدیث گفتند ، و نامیدند . و در اصطلاح متشرعه حدیث را اختصاص دادند باینگونه منابع هدایت که از مشعلداران اسلام رسیده ، و در زبان دیگران بامور مهم درامم وملل وممالک وشاهان و صلح و جنگ آنها هم حدیث اطلاق کردند ، « حدیث دارا واسـ یکندر - حدیث وامق و عذراء - حدیث اکتشافات عهد اول - حدیث جاهلیت و نظائر آن » همه حدیث دارند، و خبر را هم گاهی بهمین معنی میگویند ، و گاهی بمعنی اعم از این « خبر فتوحات اسلام و خبر فتوح بلدان و خبر ثروت و علم اسلام و خبرهای جنگها و غزوه ها » همه خبرند و گاهی هم بمعنی اعم از اعم اطلاق میشود - یعنی بهر کلامی که محتمل الصدق و الکذب باشد اطلاق میشود ، هر قولی که حکایتی از ماوراء میکند که توان هنگام تطبیق مطابق با آن در آید ، یا در نیاید ، مقابل انشاء آن را خبر میگویند .

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اما حدیث ما (که عبارت از خصوص قول پیغمبر ﷺ یا قول پیغمبر و قول امام معصوم باشد) چه بصورت انشاء باشد مانند « صلوا کما رأیتمونی اصلی - یا یعید صلواته » و چه بصورت اخبار همه حدیث اند .

* * *

ظهور حدیث در اسلام با ظهور اسلام شد و از آن منبع شد - با ظهور اسلام حدیث هم پدید آمد هم چنانکه قرآن مجید هم با آن مطلع پدید آمد ، یا بگواز نزول قرآن حکیم - آن دو یعنی اسلام و حدیث پدید آمدند ، حدیث ، که حامل راه و رسم پیغمبر و ترتیب روش پیغمبر است با

قرآن دو عدل یکدیگرند - که یکی ازدیگری جدائی ندارند و نخواهند داشت و اهلیت و عترت هم که حامل و مشعل دار هر دو اند از آنها جدائی ندارند تفسیر مقاصد الهی را که قرآن حاوی آن است جز با سخنان و احادیث خود رهبر اعظم صلی الله علیه و آله با چه میتوان کرد گفتگوهای خود او صلی الله علیه و آله افعال و اقدامات خود او (ص) - تقریر و امضائی که نسبت بهر گونه کار دیگران شده باشد، یعنی در نظر او کرده باشند و او (ص) تنبیه و تنفیذ کرده باشد یاردن کرده باشد قولاً و عملاً آن بهترین تفسیر برای مقاصد عالی قرآن، و صاحب دعوت است، از باب مثل قرآن میگوید: ولله على الناس حج البيت خدا بر مردم حق دارد که خانه او را زیارت کنند ولی کیفیت این زیارت و تشکیل این کنگره بزرگ جهانی و عدد ایام آن و موطن آن و پس و پیش بودن هر عملی با عمل دیگر، آنها را نمی گوید، آنها را در موسم حج اکبر خود رهبر (ص) نشان داد، و آل او و عترت او (ص) که زادگان مکه و منی بودند برای بعد از او مشعلدار این داه و رسم بودند، از دیگران و یگانگان نمیتوان بهتر از آنها خیر آنرا خواست - بنیان نهضت اسلام از کار و بار پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و اقدامات در راه و روش او صلی الله علیه و آله بنیه گرفت و اینک هم اگر بخواهد آن بنیان برپا شود، باید بنیه از آن بگیرد.

در حدیثی که خواستند حضرت حدیثی بسلامت الذهب را بگوید
 از من و ایما عباد من قالوا بالله و رسوله و ما یومنون به و ما یؤمنون به
 و ما یؤمنون به و ما یؤمنون به و ما یؤمنون به و ما یؤمنون به
 شود گمان که در مقام ضبط حدیث نبودند چندین مستطابین بر او ایستادند